

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون باختربانی

۱۲ دسمبر ۲۰۱۵

صد غزل سیدای کروخی هروی

۱

سرآغاز:

میر محمد سعید کرخی^۱ متخلص به «سید» و معروف به «سیدا» یکی از سر برآوردگان منطقه کرخ هرات است که در عرفان، زهد و سخنوری و وطن دوستی نامش ثبت اوراق روزگار شده است. او در نیمه دوم سده دوازدهم و اوایل سده سیزدهم هجری می زیست. اگر شهادت او را در میانه سالی بپذیریم او باید حدود سالهای ۱۱۷۰ قمری تولد شده باشد، به اساس این محاسبه زندگانی او باید با دوران حکومت احمد شاه درانی (۱۱۶۱-۱۱۸۴ ق) تیمور شاه (۱۱۸۴-۱۲۰۷ ق) و فرزندان او زمانشاه (۱۲۰۷-۱۲۱۶ ق) شاه محمود (۱۲۱۶-۱۲۱۹ ق) و شاه شجاع (۱۲۱۹-۱۲۲۴ ق) مصادف باشد. پدرش سید بهادر خواجه، پسر سید عالم خواجه کرخی بود. قصبه کرخ در شمال شرقی هرات به فاصله تخمینی بیست و چهار میلی در دامنه شمالی کوه دیو اندر واقع شده. خواجه محمد سعید (سیدا) هم عصر شعرای نامداری چون عبدالله شهاب ترشیزی، میر هوتک خان افغان، عایشه درانی، آذر، صباحی و هاتف بوده است.

سیدا، در سلك ارادت حضرت صوفی اسلام درآمده از حضرت صوفی اسلام خط ارشاد (خلافت) دریافت نموده و از فیوضات آن بزرگوار بهره مند گردیده است. خوارق عادات جناب صوفی اسلام (مرشد سیدا) بسیار است که ذکر هر کدام آنها در این مختصر نمی گنجد. حضرت سیدا به معیت صوفی اسلام یک جا در

۱) نام سیدا در کتاب آثار حرات اثر خلیل الله خلیلی چاپ دوم، انتشارات عرفان، تهران، سال ۱۳۸۳ میر محمد سید متخلص به سیدا آمده؛ در ساله مزارات حرات به تصحیح استاد فکری سلجوقی نام شاعر، میر محمد سعید کرخی متخلص به سید و معروف به سیدا آمده است و در کتاب مربوط به سیدا که جناب محمد وزیر اخنی کرخی هروی خطاطی نموده، اسم شاعر را میر محمد سید متخلص به سیدا آورده است؛ اما در متن مقدمه که از سندها بخشی فرمان اعلیحضرت تیمور شاه سدروایی دگر به عمل آورده، در انتخاب اسم شاعر خواجه محمد سعید دگر شده. از اینرو ما «میر محمد سعید کرخی» را رجحان دادیم. ناگفته نماند در اسلای نام ولسوالی «کرخ» ولایت حرات نیز دو کلمه کنی وجود داشت، جدائی با «واو» و جدائی هم با «پیش» نهمارش یافته بود که با جهت سهولت در خواندن، در عنوان «کرخ» را انتخاب نموده ایم.

جنگ با متجاوزین اشتراک نموده و درین جنگ نا برابر هردو یکجا به مقام والای شهادت نایل شدند. روان
شان شاد باد!

شرح شهادت با سعادت جناب حضرات: بعد از وفات تیمور شاه درانی، کشور میدان زور آزمائی شهزادگان
قرار می گیرد؛ البته درین زمان قدرت های استعماری انگلیس و روس از هیچ گونه توطئه برای تضعیف
کشور های منطقه دریغ نمی کردند. در چنین ایامی که جنگهای فیودالی سر تا سر افغانستان را به انبار
باروت مبدل کرده بود، هر روز یکجائی منقلب می شد. اینست که در دوره شاه محمود و شاه شجاع، دولت
مرکزی ضعیف و سر تاسر افغانستان به دست فیودالها و ملوک الطوائف افتاد که با همدیگر رقابت و
دشمنی داشتند. شهزادگان برای تصاحب قدرت به جان هم افتاده و هر کدام خود را وارث مملکت می
دانستند. به اثر این حوادث ناگوار، شهر هرات با مرکز مملکت (کابل) کاملاً بی ارتباط شده بود. در آن موقع
حکمران هرات، شهزاده فیروزالدین پسر تیمور شاه و برادر عینی محمود شاه درانی بود.

دولت قاجاری فارس از موقعیت و اوضاع استفاده برده و آماده حمله به شهر هرات شد؛ روی این اصل به
اشاره دولت مرکزی فارس، محمد ولی مرزا حاکم مشهد قشونی به قیادت محمد خان قجر به غرض تصرف
قلعه غوریان اعزام نمود و چهل روز شهر هرات را در محاصره کشید.

شهزاده فیروزالدین^۲ حکمران هرات که خراسان را مشتعل و خود را تنها احساس می کرد، یارای مجادله با
سپاه فتح علی شاه را در خود ندید. محمد خان قجر بعد از جنگی در بدل هدایائی مصلحه کرد؛ اما غوریان
در تصرف دولت فارس بماند. محمد ولی میرزا از سر های پنجصد نفر مدافعین افغانی پنجصد نیزه
برافراشت و نزد فتح علی شاه تحفه فرستاد و دهات عرض راه را تاراج نمود.

حضرت سیدا با دل مملو از جذبات عشق به خدا و وطن شمشیر عزت به کمر زده دوشادوش حضرت
صوفی اسلام به حدود غوریان رفته و در آنجا بعد از آن که خطابه های غرا و آتشین و اندرز های سود
مندی ارائه نمود، اهالی را با نیکو ترین زبانی تشجیع کرد. جناب محمد سعید (سیدا) بعد از مبارزه خستگی
نا پذیر در قریه شکیبان هرات که نزدیک غوریان موقعیت دارد مردانه وار در یکی از شیخون های لشکر
مقابل به شهادت رسید. نعش خون آلود سیدا این شاعر شهید و شهید شاعران را ارادتمندانش از شکیبان به
هرات آورده بر سر پل خیمه دوزان در مشرق جاده، به پُل نرسیده به خاک سپردند. هم اکنون خاکش
زیارتگاه اهل دل است؛ همچنان مردم جسد مبارک حضرت صوفی اسلام را که شهید شده بود به کُرُخ
رسانده در چهار باغی که جناب حضرت به دست مبارک خود ناژو نشانی نموده بود دفن کردند. تاریخ
وفات این دو عارف از (غریو آه) به دست می آید که (۱۲۲۲ ق/ ۱۸۰۷ م) است.

مرحوم صوفی میر محمد سعید (سیدا) از شهادت خویش در چندین غزل پیشگوئی نموده:

^۲ (شهزاده فیروزالدین، برادر عینی شهزاده محمود بود اکثر ابا او یکجا میبود در سال ۱۷۹۴م قوای شهزاده محمود از شاه زمان منزم شد، شاه زمان، محمود را خلع و
پسر خود شهزاده قیصر را والی هرات مقرر نمود. و همیکه شهزاده زمان اسیر محمود و بعد از آن نایبش شد، شهزاده قیصر به سرداران خود بی اعتماد گردیده و شهزاده
فیروزالدین را که آن زمان دین بود به هرات دعوت نمود تا امور را بنام برادرش محمود بدست بگیرد. بدین صورت فیروزالدین در مدت زیادتی حکمران
هرات باقی ماند حتی در زمان حکومت شاه شجاع هرات و فراه در دست موصوف قرار داشت.)

سید ز مددگاری سلطان شهیدان دادم بدم تیغ فنا آب نفس را

گویا «سیدا» قدرت پیشبینی خارق العاده ای داشته و همه حوادث را قبل از وقوع با چشم دل می دیده است.

از تقدیری که خداوند بزرگ برایش رقم زده بود، راضی و خشنود بود.

از بسکه لطف و مرحمت بی حساب داشت آخر مرا به تیغ شهادت خضاب کرد

(اگر چه دولت فارس از سال (۱۲۲۲ - ۱۲۷۲ قمری / ۱۸۰۶ - ۱۸۵۶ میلادی) یعنی در مدت ۵۰ سال،

هشت بار بر هرات حمله ور گردید؛ اما بدون همین یک بار در تمام حملات خود ناکام شد.)

نام سیدا در یک سند تاریخی مستند در صفحه ۵ دیوان اشعار موصوف که به کوشش مایل هروی طبع شده، آمده است و در آنجا به نام خواجه محمد سعید کرخی ذکر شده؛ این فرمان از طرف اعلیحضرت تیمور شاه درانی صادر گردیده. اصل فرمان را جناب ملهم خواجه نوه عموی سیدا به آقای مایل هروی ارائه کرده که به شرح زیر است:

در عنوان مهر اعلیحضرت تیمور شاه درانی با این مضمون:

شد از فیض عنایات الهی به عالم دولت تیمور شاهی

فرمان والا شد آن که قبل از این موازی شصت جریب اراضی از قصبه کرخ حسب الرقم مرحمت شیم مبارک در وجه صوفی عارف به جهت خرج مزار فیض آثار سلطان بابالاش مقرر است و در آنوقت به عرض اشرف رسیده که صوفی عارف مزبور فوت شده و از و وارث نمانده است.

نجابت پناه خواجه محمد سعید که از اولاد سلطان بابالاش است و شایستگی دارد و خدمت مزار می کند لهذا از ابتدای ششماه هذالسنه اودنیل اراضی مزبور را کماکان در وجه سیادت پناه خواجه محمد سعید مرحمت فرمودیم که مشار الیه به دستور قبل حاصل آن را متصرف شده صرف اخراجات مزار مزبور نموده و به خدمت مزار و دعای دوام وقت ... قیام نماید حکام و عمال محال کرخ و دارالسلطنه هرات در هر باب به خود مقرر و معمول دارند و هر سال رقم مجدد مطالبه ننمایند. مستوفیان عظام گرام صورت رقم مبارک را ثبت و حسب المقرر معمول دارند. ۲۹ شهر رمضان المبارک ۱۱۹۵ هجری قمری.

مهر اقل خلق الله عبداللطیف جامی مهر عبده نور محمد محمد غلام شاه تیمور است شرف

مهر عبده محمد بهادر مهر افوض امری الی الله عباس ابن هاشم مهر الراجی ابن علی مهر عبدالرحیم

مهر المتوکل علی الله عبده حفیظ الله. در پایان فرمان یازده عدد مهر زده شده چهار عدد آن خوانده نشد.

غزلیات سیدا بازتابگر علو همت، جهانبینی، طرز فکر و دیدگاه او است، که در تار و پود چامه ها عجین شده اند. استغناى شاعر به عنوان هدف بزرگی او را وا داشته است تافر هنگ، دانش و هنرش را یکسره در خدمت عقیده، عرفان، مسایل اجتماعی و عشقی بگمارد.

سیدا، عشق را به حیث رهبر و رهنما می پذیرد. او معتقد است که انتخاب راه دیگری غیر عشق، پایانی جز گمراهی ندارد، و لو اگر انسان پایه و کمال بسیار عالی نیز داشته باشد:

سیدا هر که به جز عشق رود گمراهست گر چه مشهور کمالات چو افلاتون شد

همه می دانند که عشق در مجموع تحت دو تیره (حقیقی و مجازی) قابل شناخت است. بازتاب عشق را بیش از همه در عرفان اسلامی می نگریم در اشعار سیدا ما هردو شاخه عشق را با ظرافت های آن ملاحظه می کنیم.

عشق مجازی یا دنیائی، پایه و نردبان عشق حقیقی یا ملکوتی است. یعنی سالک می تواند روی بال عشق، جانب محبوب حقیقی راه پوید. هر عارف راستین این طریق را پیموده و می پیماید. سیدا را نیز می بینیم که در خلال غزلهایش اشاراتی دارد مبنی بر این که حسن محبوب زمینی در واقع لطف و هدیه ای می باشد از صنع الهی. از همین جاست که این هردو (عشق دنیائی و سماوی) با هم ارتباط دارند؛ لذا گزینش محبوب و تماشای جانب او را سیدا بیهوده ندانسته و گوید که:

بیهوده نباشد نظر من جانب رویت بگذار که نظاره کنم صنع خدا را

غزلهای او از نگاه کمیت ابیات، در حد معمول و مروج خود قرار دارند. این غزل ها در اوزان و بحور مختلف عروضی سروده شده. کوتاه، متوسط و طویل، بیشترین غزلهای این مجموعه در واقع سلیس و روان بوده، تعقیدات و غرابت لفظی بر کلام حاکمیت ندارد. او به پیشینان اقتداء نموده و ظرافت ها و اشارات خود و براننده آنها را دل انگیز و پذیرفتنی تر ساخته است. طنین موسیقی و رنگینی الفاظ، اشعار او را در رهگذار دل سوق می دهد و گوش جانرا می نوازد؛ ازینروست که بعضی از غزلهای سیدای کرخی توسط رامشگران و متصوفین به زمزمه گرفته شده اند.

رُخت را ماه تابان آفریدند قدت سرو خرامان آفریدند
لب لعل ترا ای غنچه امروز در این گلزار خندان آفریدند

و یا این ابیات عرفانی او:

بیا که مجلس خوبان با وفا اینجاست سرود مطرب و رندان خوش نوا اینجاست
جمال شاهد معنی ز شیشه کرد طلوع شراب صافی ساقی مه لقا اینجاست

واضح است که مرحوم میر محمد سعید مشهور به سیدای کرخی خود مردی بود زاهد و عارف؛ از اینرو شیوه بیان در غزلهای، قسماً رنگ موحدانه و عارفانه دارد و این خود می رساند که شاعر ما بیش از همه با عقیده و بینش عرفانی، انسانی و اجتماعی پیوند مستحکم داشته است. او خوب می دانست که قرب کعبه مقصود محدود و منحصر نبوده، بلکه راهها بدان جایگاه فراوانست، لذا به صراحت می گفت:

سیدا هر که سفر کرد به امید وصال اولین گام به فرق همه عالم زد

آن که به مدد عشق گام بر می دارد و دل را بدان نور و بیداری می بخشد. به نظر سیدای کرخی به مقام منزلت فرمانروائی «ملک بقاء» دست می یابد:

سیدا پادشاه بقاء می گردد هر کرا عشق دهد دولت بیداری دل

کلیات حضرت سیدا به علاوه غزلیات، حاوی حمد و نعت و سایر قصه های عشقی صوفیانه است تحت عنوان «شیخ صنعان و ترسا دختر» «قصه فوت لیلی و مجنون» «قصه دختر هندو» و «کتاب گنجنامه». کتاب دیگری تحت نام «عشاق نامه» منسوب به سیدا را در بعضی از نسخ ذکر کرده اند که تا حال به نظر نرسیده است. صد غزل از سیدا که درج این دفتر است از کتاب کلیات اشعار سیدا کرخی هروی به اهتمام محمد وزیر کرخی هروی که به خط جناب ایشان است، گلچین و نقل گردیده.

